

**مقاله پژوهشی اصیل****ارتباط حساسیت پردازش حسی با شیوه‌های فرزندپروری و شاخص‌های آسیب‌شناسی روان‌شناختی****زهره صدوقی<sup>۱</sup>**

دانشگاه تربیت مدرس

**دکتر مریم وفایی**

دانشگاه تربیت مدرس

**دکتر رسول زاده طباطبایی**

دانشگاه تربیت مدرس

**هدف:** حساسیت پردازش حسی سازه‌ای است که تمایل به پردازش دقیق و عمیق اطلاعات هیجانی را در برمی‌گیرد. برخی تحقیقات نشان داده‌اند که افراد دارای حساسیت پردازش حسی بالا در صورتی که شیوه‌های فرزندپروری والدینشان نامناسب باشد، مستعد عواطف منفی هستند. پژوهش حاضر به بررسی ارتباط حساسیت پردازش حسی و شیوه‌های فرزندپروری با اضطراب و افسردگی پرداخت. **روش:** ۳۷۲ دانشجوی پسر مقطع کارشناسی انتخاب شدند و پرسشنامه‌های شخص با حساسیت پردازش حسی بالا (آرون و آرون)، شیوه‌های فرزندپروری (پارکر و همکاران)، افسردگی (بک و استیر) و اضطراب خصیصه - حالت (اسپیلبرگر) را تکمیل کردند. اطلاعات به دست آمده با استفاده از تحلیل رگرسیون چندمتغیره و تحلیل واریانس تجزیه و تحلیل شد. **یافته‌ها:** حساسیت پردازش حسی با اضطراب و افسردگی و شیوه‌های فرزندپروری رابطه معنی‌دار داشت ( $p < 0/01$ ). ارتباط حساسیت پردازش حسی با اضطراب قوی‌تر از ارتباط با افسردگی بود و حساسیت پردازش حسی، افسردگی را بعد از کنترل اضطراب پیش‌بینی نکرد. اثرات تعاملی نیز معنی‌دار بود ( $p < 0/05$ ) که این مسأله بیانگر نقش حساسیت پردازش حسی در پیش‌بینی شاخص‌های آسیب‌شناسی روان‌شناختی در ارتباط با شیوه‌های فرزندپروری است. **نتیجه‌گیری:** در مجموع با استناد به یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که حساسیت پردازش حسی در تعامل با شیوه‌های فرزندپروری نامناسب می‌تواند فرد را مستعد آسیب‌شناسی روان‌شناختی سازد.

کلیدواژه‌ها: حساسیت پردازش حسی، شیوه فرزندپروری، اضطراب، افسردگی

**مقدمه**

پردازش اطلاعات حسی، شاید اساسی‌ترین عنصر روانی چگونگی درک و دریافت محیط اطراف و واکنش افراد به آن باشد. احساس فقط شکل شناخته‌شده‌ای از ارتباط بین فرد و محیط را فراهم می‌سازد. شواهدی در حال افزایش است مبنی بر اینکه افراد اطلاعات حسی را به شیوه‌های مختلف پردازش می‌کنند.

اخیراً دان<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) یک مدل چهار عاملی پردازش حسی را در حوزه کاردرمانی مطرح کرده است. یکی از شیوه‌های پردازش حسی، حساسیت پردازش حسی<sup>۲</sup> است که تمایل به پردازش عمیق و دقیق محرکات حسی است (آرون<sup>۳</sup> و آرون<sup>۴</sup>، ۱۹۹۷). آرون و آرون (۲۰۰۵) اشاره دارند که تقریباً ۲۵ درصد افراد جامعه دارای سبک پردازش حسی حساس هستند. این افراد تمایل دارند به

2- Dunn  
4- Aron

3 - sensory processing sensitivity

۱- نشانی تماس: تهران، دانشگاه تربیت مدرس، خوابگاه فاطمیه

Email: sadooghi@modares.ac.ir

خصیصه‌های اختلال شخصیت اجتنابی (میر و کارور، ۲۰۰۵) و فوبی اجتماعی (نیل<sup>۲۲</sup>، ادلمن<sup>۲۳</sup> و گلاچان<sup>۲۴</sup>، ۲۰۰۲) هیچ ارتباط معنی‌داری یافت نشد، در حالی که افراد با حساسیت پردازش حسی بالا، احتمالاً اختلالات اضطرابی از جمله فوبی اجتماعی (نیل و همکاران، ۲۰۰۲) و اختلال شخصیت اجتنابی (آرون و آرون، ۲۰۰۵) را بیشتر تجربه می‌کنند.

با توجه به شواهد متناقض در مورد ارتباط شیوه‌های فرزندپروری و شاخص‌های آسیب‌شناسی روان‌شناختی و تفاوت‌های بنیادی در رفتار والدینی و کودکان کشورهای غربی و شرقی (به دلیل ساختارهای متفاوت فرهنگی فرزندپروری که در فرهنگ شرق بر کنترل و در غرب بر فردیت‌گرایی تأکید می‌شود) و همچنین برای بررسی الگوی آرون و آرون (۱۹۹۷، ۲۰۰۵) (افراد با حساسیت پردازش حسی بالا، لزوماً مستعد بروز حالات عاطفی منفی نیستند، مگر اینکه شیوه‌های فرزندپروری والدینشان نامناسب باشد)، در این تحقیق رابطه حساسیت پردازش حسی و شیوه‌های فرزندپروری با اضطراب و افسردگی در جامعه ایرانی بررسی شده است تا مشخص شود که آیا تعامل حساسیت پردازش حسی و شیوه‌های فرزندپروری، پیش‌بینی‌کننده اضطراب و افسردگی است یا خیر.

## روش

این مطالعه نوعی پژوهش مقطعی و از نوع توصیفی بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل (۸۵ - ۱۳۸۴) پسر دوره کارشناسی دانشکده‌های علوم انسانی (۴۵ درصد)، علوم پایه (۲۰ درصد)، فنی و مهندسی (۱۸ درصد)، پزشکی (۷ درصد)، هنر (۶ درصد) و کشاورزی (۴ درصد) دانشگاه‌های شهید بهشتی و شاهد بودند، که به تصادف از میان دانشگاه‌های جامع شهر تهران

آستانه‌های پایین اطلاعات پاسخ بدهند و همچنین تفاوت‌های ظریف محیطی را در مقایسه با دیگران بهتر تشخیص می‌دهند. شواهد نشان می‌دهد که تفاوت افراد در پردازش اطلاعات ژنتیکی است و از ابتدای تولد وجود دارد و با تفاوت‌هایی در نیمکره‌ها و ساختارهای مغز مرتبط است. آرون و آرون در دو مطالعه خود (۱۹۹۷، ۲۰۰۵) مطرح کردند که حساسیت پردازش حسی با بازداری رفتاری (کارور<sup>۱</sup> و وایت<sup>۲</sup>، ۱۹۹۴)، درون‌گرایی (آیزنک، ۱۹۹۱، به نقل از جروم<sup>۳</sup> و لیس<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵) و کمروسی (کاگان<sup>۵</sup>، ۱۹۹۴) مرتبط، اما مستقل از این سازه‌ها است. آرون و آرون (۱۹۹۷، ۲۰۰۵) اظهار داشتند که حساسیت پردازش حسی فقط در محیط والدینی نامناسب منجر به پیامدهای منفی از جمله اضطراب و افسردگی می‌شود و داشتن محیط والدینی نامناسب و یادآوری تجارب مشکل‌دار کودکی در افراد با حساسیت پردازش حسی بالا به ویژه در مردان رابطه معنی‌داری دارد. بنهام<sup>۶</sup> (۲۰۰۶) بین حساسیت پردازش حسی و شاخص‌های سلامت (تجربه بیشتر استرس و گزارش علائم فیزیکی بیشتر) یک ارتباط مستقیم نشان دادند. از سوی دیگر اکثر تحقیقات مطرح کردند که سبک‌های خاص خانوادگی، افراد را مستعد افسردگی و اضطراب می‌کند (جروم و لیس، ۲۰۰۵). اگرچه برخی تحقیقات نشان دادند که بین حمایت‌کنندگی بیش‌ازحد<sup>۷</sup> به ویژه در تعامل با مراقبت پایین<sup>۸</sup> و افسردگی ارتباط وجود دارد (بلا<sup>۹</sup> و هومان<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۲)، ولی برخی دیگر این رابطه را نشان ندادند (مک‌کینون<sup>۱۱</sup>، هندرسون<sup>۱۲</sup> و اندروز<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۳). چندین مطالعه نشان دادند که حمایت‌کنندگی بیش‌ازحد با سطوح بالاتر اضطراب (بنت<sup>۱۴</sup> و استرلینگ<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۸)، اختلال وسواس فکری - عملی (کاودو<sup>۱۶</sup> و پارکر<sup>۱۷</sup>، ۱۹۹۴) و هراس از مکان‌های باز ارتباط دارد، در حالی که تحقیقات دیگر حاکی از ارتباط سطوح بالاتر اضطراب با مراقبت پایین بود (تورگون<sup>۱۸</sup>، اوکاتر<sup>۱۹</sup>، مارچند<sup>۲۰</sup> و فریستون<sup>۲۱</sup>، ۲۰۰۲). آرون و آرون (۲۰۰۵) نشان دادند که بین حساسیت پردازش حسی و شیوه‌های فرزندپروری (مراقبت پایین و حمایت‌کنندگی بیش‌ازحد) که پیش‌بینی‌کننده عواطف منفی، از جمله شرم و خجالت است تعامل وجود دارد. در تحقیقی دیگر به منظور بررسی اثرات تعاملی حساسیت پردازش حسی و محیط والدینی، در پیش‌بینی

1- Carver  
3- Jerome  
5- Kagan  
7- overprotection  
9- Blatt  
11- MacKinnon  
13- Andrews  
15- Stirling  
17- Pirker  
19- O'Conner  
21- Fleeston  
23- Edelmann

2- White  
4- Liss  
6- Benham  
8- low care  
10- Homann  
12- Henderson  
14- Bennet  
16- Cavedo  
18- Turgeon  
20- Marchand  
22- Neal  
24- Glaehan

انتخاب شدند. منظور از دانشگاه جامع در این مطالعه دانشگاهی بود که دارای رشته‌های مختلف فنی-مهندسی، پزشکی، علوم، هنر و علوم انسانی باشد. جمع کل دانشجویان چهار هزار و ۵۲۲ نفر بود که از این تعداد ۳۷۲ نفر با روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بر اساس نسبت دانشگاه و دانشکده انتخاب شدند. میانگین سنی شرکت‌کنندگان ۲۱/۲۳ سال با انحراف معیار ۲/۴۴ بود. در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری متغیرهای مورد نظر، از ابزارهای زیر استفاده شد:

### مقیاس شخص با حساسیت پردازش حسی بالا<sup>۱</sup> (HSPS)

این مقیاس به وسیله آرون و آرون (۱۹۹۷) ساخته شده و تفاوت‌های فردی را در حساسیت پردازش حسی اندازه‌گیری می‌کند. این مقیاس ویژه سنجش افرادی است که با شدت بیشتر به محرکات محیطی واکنش نشان می‌دهند (به‌عنوان مثال «آیا محرکات حسی شدید شما را مستأصل می‌کنند؟» «آیا هنگامی که در محیط خیلی شلوغی هستید، به‌طور ناخوشایند برانگیخته می‌شوید؟»). آرون و آرون (۲۰۰۵، ۱۹۹۷) مطرح کردند که مقیاس شخص با حساسیت حسی بالا، یک سازه واحد را تشکیل می‌دهد. اعتبار و روایی این آزمون در حد رضایت‌بخشی بوده است. ضرایب آلفای کرونباخ در دامنه ۰/۶۴ تا ۰/۸۷ گزارش شده است (آرون و آرون، ۱۹۹۷). در تحقیق حاضر نیز، ثبات درونی مقیاس به وسیله ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمد. روایی سازه مقیاس حساسیت پردازش حسی از طریق همبستگی این مقیاس با برون‌گرایی اجتماعی، نظم‌جویی هیجانی، به آسانی گریه کردن، حساسیت به نور و الکل به ترتیب ۰/۴۵، ۰/۶۵، ۰/۴۷، ۰/۳۲ و ۰/۳۹ به دست آمده است (آرون و آرون، ۱۹۹۷).

### پرسشنامه پیوند والدینی<sup>۲</sup> (PBI)

پرسشنامه مذکور شامل ۲۵ سوال است و نخستین بار به وسیله بارکر، توپلینگ<sup>۳</sup> و براون<sup>۴</sup> (۱۹۷۹) معرفی شد. این ابزار گذشته‌نگر است و برای نوجوانان بالای ۱۶ سال کاربرد دارد. فرد باید سبک فرزندپروری والدینش را که در طی ۱۶ سال اول زندگی ادراک کرده است، به خاطر آورد. این ابزار دارای دو خرده‌مقیاس مراقبت

و حمایت‌کنندگی بیش‌ازحد است. حمایت‌کنندگی بیش‌ازحد دارای دو بعد تشویق آزادی رفتاری<sup>۵</sup> و انکار وجود مستقل و منحصربه‌فرد روان‌شناختی<sup>۶</sup> است. نمرات بالا در مقیاس مراقبت، منعکس‌کننده والدین گرم، مهربان و همدرد و نمرات پایین منعکس‌کننده والدین سرد و طردکننده است. نمرات بالا در مقیاس حمایت‌کنندگی بیش‌ازحد بیانگر والدین کنترل‌کننده است که تمایل دارند کودکان همیشه بچه‌بمانند. از سوی دیگر، نمرات پایین در این مقیاس منعکس‌کننده والدینی است که به کودکان آزادی می‌دهند و زمینه استقلال آنها را فراهم می‌سازند. اگرچه ابزار پیوند والدینی می‌تواند به‌صورت مجزا برای مادران و پدران استفاده شود، در تحقیق حاضر از آزمودنی‌ها خواسته شد که ابزار پیوند والدینی را برای مراقبان اصلی خود تکمیل کنند. در این نمونه ۸۰/۱ درصد مادر، ۱۷/۷ درصد پدر و ۲/۲ درصد فرد جایگزین را به‌عنوان مراقب اصلی انتخاب کردند. پایایی آزمون از طریق ضریب آلفای کرونباخ در بررسی اولیه، برای مراقبت ۰/۹۳-۰/۹۲ و برای مراقبت‌کنندگی بیش‌ازحد ۰/۸۷-۰/۶۶ به دست آمد. مطالعات تحلیل عاملی اخیر درباره ابزار پیوند والدینی، ساختار سه‌بعدی را به جای دوبعدی (مراقبت و حمایت‌کنندگی بیش‌ازحد) نشان می‌دهد (گمز-بنیتو<sup>۷</sup>، پدروس<sup>۸</sup>، توماس<sup>۹</sup>، آگونیلار<sup>۱۰</sup> و لیل<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۳؛ مورفی<sup>۱۲</sup>، بروین<sup>۱۳</sup> و سیلکا<sup>۱۴</sup>، ۱۹۹۷؛ ناریتا<sup>۱۵</sup> و همکاران، ۲۰۰۰). برای پرسشنامه پیوند والدینی در جامعه ایرانی قبلاً تحلیل عاملی از ساختار انجام نشده بود، از این رو تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی در نمونه ایرانی همسو با یافته‌های محققان از ساختار سه‌عاملی حمایت‌کرد (ناریتا و همکاران، ۲۰۰۰). یافته‌های این تحلیل به‌صورت جداگانه آرایه شده است (صدوقی و وفایی، در دست چاپ). بر اساس نتایج تحلیل عاملی، سه بعد جدید ابزار پیوند والدینی استخراج شد. بُعد مراقبت سؤال‌های ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۸، ۱۲، ۱۴، ۱۷ و ۱۸؛ بعد تشویق آزادی

- |  |             |
|--|-------------|
| 1- The Highly Sensitive Sensory Processing Scale |             |
| 2- Parental Bonding Inventory                    | 3- Tupling  |
| 4- Brown   |             |
| 5- encouragement of parental freedom             |             |
| 6- denial of psychological autonomy              |             |
| 7- Gomez-Beneyto                                 | 8- Pedros   |
| 9- Tomas   | 10- Aguilar |
| 11- Leal   | 12- Murphy  |
| 13- Brewin                                       | 14- Silka   |
| 15- Narita                                       |             |

بعد از انتخاب نمونه، پرسشنامه‌ها به ۴۵ دانشجو ارائه شد. سپس درباره پرسشنامه‌ها، نحوه پاسخ به آن و هدف از اجرای آزمون توضیحات مقدماتی ارائه و ضمناً به آنها گفته شد که در صورت تمایل و به منظور آگاهی از نتایج پژوهش می‌توانند به پژوهشگر مراجعه کنند. بعد از اتمام کار، پرسشنامه‌ها جمع‌آوری و بعد از حذف پرسشنامه‌های ناقص، بقیه آنها (۳۷۲ پرسشنامه) نمره‌گذاری و برای تجزیه و تحلیل نهایی آماده گردید.

### یافته‌ها

جدول ۱ میانگین و انحراف معیار نمره‌ها را در متغیرهای حساسیت پردازش حسی، شیوه‌های فرزندپروری، اضطراب و افسردگی نشان می‌دهد. بر اساس یافته‌های جدول ۱، بالاترین میانگین در میان شیوه‌های فرزندپروری به «مراقبت والدینی» (۲۳/۴۴) و پایین‌ترین آن به روش انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی (۸/۴۲) مربوط بود. جدول ۲ همبستگی متغیرهای مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

به منظور بررسی رابطه شیوه‌های فرزندپروری و حساسیت پردازش حسی با اضطراب و افسردگی، تحلیل رگرسیون همزمان انجام شد که نتایج آن در جدول ۳ آمده است. بر پایه نتایج تحلیل واریانس و شاخص‌های آماری رگرسیون، رابطه بین اضطراب، افسردگی، شیوه‌های فرزندپروری و حساسیت پردازش حسی را بود ( $p < 0/001$ ) و ۲۱ درصد واریانس نمره اضطراب به وسیله تشویق آزادی رفتاری، مراقبت والدینی و حساسیت پردازش حسی تبیین می‌شد ( $R^2 = 0/21$ ). ۱۴ درصد واریانس نمره افسردگی نیز به وسیله مراقبت والدینی، انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی و حساسیت پردازش حسی ( $R^2 = 0/14$ )، ۴۲ درصد واریانس نمره اضطراب به وسیله متغیرهای تشویق آزادی رفتاری، حساسیت پردازش حسی و افسردگی ( $R^2 = 0/42$ ) و ۳۶ درصد واریانس نمره افسردگی به وسیله انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی و اضطراب ( $R^2 = 0/36$ ) تبیین می‌شد.

رفتاری شامل سؤال‌های ۳، ۷، ۱۵، ۲۱، ۲۲، ۲۴ و ۲۵ و بُعد انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی شامل سؤال‌های ۹، ۱۰، ۱۳، ۱۶، ۱۹، ۲۰ و ۲۳ بود. سؤال ۱۱ به علت داشتن بار عاملی در بیش از یک عامل حذف شد. ضرایب ثبات درونی برای سه عامل به‌طور رضایت‌بخش به ترتیب ۰/۸۴، ۰/۷۹ و ۰/۶۸ به دست آمد. اگر چه این سه عامل همبسته بودند، همبستگی‌های درون عاملی نشان داد که آنها مجزا و جداگانه می‌باشند. در تحقیق حاضر، ضرایب همبستگی از بعد نظری معنی‌دار و در جهت پیش‌بینی شده بود. همبستگی بین بُعد مراقبت و تشویق آزادی رفتاری ۰/۵۱، بین مراقبت و انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی ۰/۳۶- و بین تشویق آزادی رفتاری و انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی ۰/۲۷- در سطح  $p < 0/001$  معنی‌دار بود. برای آزمودن فرض‌ها، نمرات این سه مقیاس برای متغیر پیوند والدینی (شیوه‌های فرزندپروری) برآورد شد.

### پرسشنامه افسردگی بک<sup>۱</sup> (BDI)

این پرسشنامه که به وسیله بک<sup>۲</sup> و استیر<sup>۳</sup> (۱۹۸۷)، برای سنجش جنبه‌های شناختی، عاطفی و جسمانی افسردگی ساخته شده، متشکل از ۲۴ ماده در دامنه نمرات صفر تا ۶۳ است. این آزمون از روایی و پایایی خوبی در گروه‌های مختلف برخوردار است. همبستگی این آزمون در پژوهش حاضر با پرسشنامه اضطراب خصیصه - حالت اسپیلبرگر ۰/۵۸ به دست آمد.

### پرسشنامه اضطراب خصیصه - حالت اسپیلبرگر<sup>۴</sup> (STAJ)

این پرسشنامه را اسپیلبرگر<sup>۵</sup>، گروسوج<sup>۶</sup> و لوشن<sup>۷</sup> (۱۹۷۰) برای سنجش اضطراب به صورت حالت-خصیصه ساخته‌اند که در بررسی حاضر فقط از بخش خصیصه اضطراب آن استفاده شده است. این آزمون دارای ۲۰ ماده و دامنه نمرات بین ۲۰ تا ۶۰ است، به‌صورتی که نمرات بالاتر، اضطراب بیشتر را گزارش می‌کند. پایایی و روایی این پرسشنامه رضایت‌بخش گزارش شده است. پایایی درونی آن از طریق آلفای کرونباخ در یک مطالعه خارجی ۰/۹ (لیس<sup>۸</sup>، تیل<sup>۹</sup>، بکسلی<sup>۱۰</sup> و کیلینگزورث<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۵) و در این مطالعه ۰/۸۴ به دست آمد.

|                               |                                   |
|-------------------------------|-----------------------------------|
| 1 - Beck Depression Inventory | 2 - Beck                          |
| 3 - Steer                     | 4 - State Trait Anxiety Inventory |
| 5 - Spitzberger               | 6 - Gorusuch                      |
| 7 - Lusene                    | 8 - Liss                          |
| 9 - Timmel                    | 10 - Baxley                       |
| 11 - Kingworth                |                                   |

جدول ۱- یافته‌های توصیفی مربوط به حساسیت پردازش حسی، سه بعد شیوه‌های فرزندپروری، اضطراب و افسردگی در دانشجویان (n=1372)

| متغیرها                                     | میانگین | انحراف معیار |
|---|---------|--------------|
| حساسیت پردازش حسی                           | ۸۲/۳    | ۱۴/۰۹        |
| مراقبت والدینی                              | ۲۳/۴۴   | ۵/۰۳         |
| تشویق آزادی رفتاری                          | ۱۳/۰۱   | ۴/۰۷         |
| انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی | ۸/۴۲    | ۳/۷۲         |
| افسردگی                                     | ۱۲/۸    | ۸/۳۱         |
| اضطراب                                      | ۳۶/۴۶   | ۵/۵۳         |

حساسیت پردازش حسی در افسردگی سه تحلیل واریانس یک راهه محاسبه شد. با در نظر گرفتن افسردگی به‌عنوان متغیر وابسته، حساسیت پردازش حسی، مراقبت، انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی و تشویق آزادی رفتاری به‌عنوان عوامل (متغیرهای) طبقه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. اثرات اصلی معنی‌داری برای مراقبت، انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی، تشویق آزادی رفتاری و حساسیت پردازش حسی به دست آمد (در دامنه‌ای از سطح معنی‌داری  $p < 0.02$  تا  $p < 0.0001$ ). این مطلب بیانگر آن است که مراقبت والدینی پایین، تشویق آزادی رفتاری کم و انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی بالا و حساسیت پردازش حسی بالا با سطوح بالای افسردگی مرتبط است. هیچ اثر تعاملی معنی‌داری بین مراقبت و حساسیت پردازش حسی بالا، بین تشویق آزادی رفتاری و حساسیت پردازش حسی بالا و بین انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی و حساسیت پردازش حسی بالا وجود نداشت.

به‌منظور بررسی اثر تعاملی بین متغیرهای مراقبت، تشویق آزادی رفتاری و انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی با حساسیت پردازش حسی در اضطراب، سه تحلیل واریانس یک راهه محاسبه شد. با در نظر گرفتن اضطراب به‌عنوان متغیر وابسته، حساسیت پردازش حسی، مراقبت، انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی و تشویق آزادی رفتاری به‌عنوان عوامل (متغیرهای طبقه‌ای) مورد بررسی قرار گرفت. اثرات اصلی معنی‌داری قوی برای مراقبت، انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی، تشویق آزادی رفتاری و حساسیت پردازش حسی در سطح معنی‌داری  $p < 0.0001$  به دست آمد. این مطلب بیانگر آن بود که مراقبت پایین، تشویق آزادی رفتاری کم، انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی و حساسیت پردازش حسی بالا با سطوح بالای اضطراب مرتبط است. هیچ اثر تعاملی معنی‌داری بین مراقبت و حساسیت پردازش حسی بالا، بین تشویق آزادی رفتاری و حساسیت پردازش حسی بالا و بین انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی و حساسیت پردازش حسی بالا وجود نداشت. برای بررسی اثر تعاملی متغیرهای مراقبت، تشویق آزادی رفتاری، انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی با

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین حساسیت پردازش حسی، شیوه‌های فرزندپروری، اضطراب و افسردگی (n=1372)

| متغیرها                                     | حساسیت پردازش حسی | افسردگی | اضطراب  | مراقبت والدینی | تشویق آزادی رفتاری |
|---|-------------------|---------|---------|----------------|--------------------|
| افسردگی                                     | ۰/۲۵۰۰            | ۱       |         |                |                    |
| اضطراب                                      | ۰/۳۲۰۰            | ۰/۵۹۰۰  | ۱       |                |                    |
| مراقبت والدینی                              | -۰/۱۲۰            | -۰/۲۶۰۰ | -۰/۳۱۰۰ | ۱              |                    |
| تشویق آزادی رفتاری                          | -۰/۱۴۰۰           | -۰/۱۹۰۰ | -۰/۳۳۰۰ | ۰/۵۱۰۰         | ۱                  |
| انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی | ۰/۲۵۰۰            | ۰/۲۷۰۰  | ۰/۲۸۰۰  | -۰/۳۶۰۰        | -۰/۳۷۰۰            |

\* $p < 0.05$ ، \*\* $p < 0.001$

جدول ۳- تحلیل رگرسیون همزمان متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری و حساسیت پردازش بر اضطراب و افسردگی

| متغیرها                                     | ضریب تعیین | F      | سطح معنی‌داری | ضرایب رگرسیون          | سطح معنی‌داری | خطای معیار استاندارد |
|---|------------|--------|---------------|------------------------|---------------|----------------------|
| اضطراب                                      |            |        |               |                        |               |                      |
| تشویق آزادی رفتاری                          | ۰/۲۱       | ۲۲/۵۱  | ۰/۰۰۰۱        | $B=-۰/۲۱$<br>$b=-۰/۲۸$ | ۰/۰۰۰۱        | ۰/۰۷                 |
| مراقبت والدینی                              |            |        |               | $B=-۰/۱۷$<br>$b=-۰/۱۹$ | ۰/۰۰۱         | ۰/۰۲                 |
| حساسیت پردازش حسی                           |            |        |               | $B=۰/۲۷$<br>$b=۰/۱۱$   | ۰/۰۰۰۱        | ۰/۰۶                 |
| افسردگی                                     |            |        |               |                        |               |                      |
| مراقبت والدینی                              | ۰/۱۴       | ۳/۳۷۱  | ۰/۰۰۰۱        | $B=-۰/۱۸$<br>$b=-۰/۲$  | ۰/۰۰۰۱        | ۰/۰۹                 |
| انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی |            |        |               | $B=۰/۱۶$<br>$b=۰/۳۵$   | ۰/۰۰۰۱        | ۰/۱۲                 |
| حساسیت پردازش حسی                           |            |        |               | $B=۰/۱۹$<br>$b=۰/۱۱$   | ۰/۰۰۰۱        | ۰/۰۳                 |
| اضطراب                                      |            |        |               |                        |               |                      |
| تشویق آزادی رفتاری                          | ۰/۴۲       | ۸۸/۹۹  | ۰/۰۰۰۱        | $B=-۰/۲۱$<br>$b=-۰/۲۹$ | ۰/۰۰۰۱        | ۰/۰۶                 |
| حساسیت پردازش حسی                           |            |        |               | $B=-۰/۱۶$<br>$b=-۰/۰۲$ | ۰/۰۰۰۱        | ۰/۰۲                 |
| افسردگی                                     |            |        |               | $B=۰/۵۱$<br>$b=۰/۳۴$   | ۰/۰۰۰۱        | ۰/۰۳                 |
| افسردگی                                     |            |        |               |                        |               |                      |
| انکار وجود مستقل و منحصر به فرد             | ۰/۳۶       | ۱۰۲/۹۷ | ۰/۰۰۰۱        | $B=-۰/۱۲$<br>$b=-۰/۲۷$ | ۰/۰۰۰۱        | ۰/۱                  |
| اضطراب                                      |            |        |               | $B=۰/۵۶$<br>$b=۰/۸۳$   | ۰/۰۰۰۱        | ۰/۰۷                 |

جدول ۴- تحلیل رگرسیون همزمان متغیرهای شیوه‌های فرزندپروری و حساسیت پردازش حسی بر اضطراب و افسردگی

| خطای معیار استاندارد | سطح معنی داری | ضرایب رگرسیون          | سطح معنی داری | نسبت F | ضریب تعیین |   |
|----------------------|---------------|------------------------|---------------|--------|------------|---|
| ۰/۰۰۱                | ۰/۰۵          | $B=-۰/۱۱$<br>$b=-۰/۰۳$ | ۰/۰۰۰۱        | ۲۷/۱۱  | ۰/۱۳       | اضطراب<br>تشویق آزادی رفتاری و حساسیت پردازش حسی بالا                                 |
| ۰/۰۰۱                | ۰/۰۰۱         | $B=۰/۳۳$<br>$b=۰/۰۳$   |               |        |            | انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی و حساسیت پردازش حسی بالا                  |
| ۰/۰۰۱                | ۰/۰۰۰۱        | $B=-۰/۱۸$<br>$b=۰/۰۳$  | ۰/۰۰۰۱        | ۳۷/۶۹  | ۰/۰۹       | افسردگی<br>تعامل انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی و حساسیت پردازش حسی بالا |
| ۰/۰۰۱                | ۰/۰۵          | $B=-۰/۱$<br>$b=-۰/۰۳$  | ۰/۰۰۰۱        | ۷۶/۵۹  | ۰/۳۸       | اضطراب<br>تعامل تشویق آزادی رفتاری و حساسیت پردازش حسی بالا                           |
| ۰/۰۰۱                | ۰/۰۰۱         | $B=۰/۱۷$<br>$b=۰/۰۳$   |               |        |            | تعامل انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی و حساسیت پردازش حسی بالا            |
|                      |               |                        |               |        |            | افسردگی   |
| ۰/۰۲                 | ۰/۰۰۰۱        | $B=۰/۵۳$<br>$b=۰/۰۳۵$  |               |        |            | شپوه‌شناسی<br>رئال جامع علوم انسانی   |
| ۰/۰۰۱                | ۰/۰۱          | $B=۰/۱۲$<br>$b=۰/۰۳$   | ۰/۰۰۰۱        | ۱۰۲/۶۱ | ۰/۳        | افسردگی<br>تعامل انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی و حساسیت پردازش حسی بالا |
| ۰/۰۷                 | ۰/۰۰۱         | $B=۰/۵۵$<br>$b=۰/۰۸۲$  |               |        |            | اضطراب  |

بر پایه نتایج، ۱۳ درصد واریانس نمره اضطراب به وسیله تعامل تشویق آزادی رفتاری و حساسیت پردازش حسی بالا و تعامل انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی و حساسیت پردازش حسی بالا ( $R^2=۰/۱۳$ ) و نه درصد واریانس نمره افسردگی به وسیله تعامل انکار وجود مستقل و منحصر به فرد روان‌شناختی و حساسیت پردازش حسی بالا تبیین می‌شود ( $R^2=۰/۰۹$ ). ۳۸ درصد واریانس نمره اضطراب به وسیله تعامل تشویق آزادی رفتاری و حساسیت

به منظور بررسی اثرات تعاملی حساسیت پردازش حسی و شیوه‌های فرزندپروری در پیش‌بینی اضطراب و افسردگی، تحلیل رگرسیون همزمان انجام شد. حساسیت پردازش حسی به عنوان متغیر خطی در نظر گرفته شد. نمره اضطراب و افسردگی به عنوان متغیرهای وابسته، حساسیت پردازش حسی و شیوه‌های فرزندپروری به عنوان متغیرهای پیش‌بین وارد معادله شدند. نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

پردازش حسی بالا، تعامل انکار وجود مستقل و منحصربه‌فرد روان‌شناختی و حساسیت پردازش حسی بالا و افسردگی تبیین می‌گردید ( $R^2 = 0/38$ ). ۳۰ درصد واریانس نمره افسردگی نیز به‌وسیله تعامل انکار وجود مستقل و منحصربه‌فرد روان‌شناختی و حساسیت پردازش حسی بالا و اضطراب تبیین می‌شد ( $R^2 = 0/3$ ).

## بحث

بین حساسیت پردازش حسی و شیوه‌های فرزندپروری با اضطراب و افسردگی رابطه معنی‌داری وجود داشت. یعنی با افزایش حساسیت پردازش حسی، اضطراب و افسردگی نیز بیشتر می‌شد. این یافته‌ها با یافته‌های قبلی جروم و لیس (۲۰۰۵)، آرون و آرون (۲۰۰۵، ۱۹۹۷) و نیل و همکاران (۲۰۰۲) همسوست. این یافته را می‌توان بدین شکل تبیین کرد که تمایل این افراد به برانگیختگی هیجانی می‌تواند عامل بروز نابهنجاری عاطفی از جمله افسردگی و اضطراب باشد. اخیراً شواهدی پیدا شده است که نشان می‌دهد افراد اطلاعات عاطفی را پردازش می‌کنند (هرشفیلد<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۷). همین عوامل موجب می‌شود که این افراد در خودنظم‌جویی هیجانی دچار مشکل شوند، کنترل خود را در برابر محرکات هیجانی از دست بدهند و نشانه‌های بدنی نشان دهند و به سرعت برانگیخته شوند (جان<sup>۲</sup> و گروس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۴). همبستگی بین حساسیت پردازش حسی و اضطراب از افسردگی بیشتر است که این یافته با یافته دان (۲۰۰۲) و نیل و همکاران (۲۰۰۲) هماهنگ است. بر طبق مدل چهار عاملی دان (۲۰۰۲) افراد دارای حساسیت پردازش حسی تمایل به پردازش اطلاعاتی با آستانه‌های پایین‌تر دارند و همین امر این افراد را نسبت به محرکات محیطی آسیب‌پذیر می‌کند و باعث می‌شود از نظر فیزیولوژیکی بیشتر واکنش نشان دهند و سریع‌تر برانگیخته شوند (لیس و همکاران، ۲۰۰۵؛ جروم و لیس، ۲۰۰۵). تحقیقات نشان می‌دهند که حساسیت پردازش حسی، با بازداری رفتاری و روان‌نژندی‌گرایی ارتباط دارد (بهمن، ۲۰۰۶). گری<sup>۴</sup> (۱۹۸۱) نیز در تبیین اضطراب، سیستم بازداری رفتاری را معادل روان‌نژندی‌گرایی می‌داند. بین حساسیت پردازش حسی و شیوه‌های فرزندپروری رابطه معنی‌داری وجود داشت. رابطه بین حساسیت پردازش حسی با مراقبت بالای والدینی

و تشویق آزادی رفتاری معکوس بود. به عبارت دیگر، هرچه حساسیت پردازش حسی فرد کمتر باشد، شیوه فرزندپروری والدینش را در دوران کودکی، بیشتر مراقبت‌کننده و تشویق‌کننده به یاد می‌آورد و هر چه حساسیت حسی فرد بیشتر باشد، شیوه فرزندپروری والدینش را در دوران کودکی بیش‌احد حمایت‌کننده (انکار وجود مستقل و منحصربه‌فرد روان‌شناختی) یادآوری می‌کند. این یافته با یافته لیس و همکاران (۲۰۰۵) آرون و آرون (۲۰۰۵) و جروم و لیس (۲۰۰۵) هماهنگ است. به عنوان مثال لیس و همکاران (۲۰۰۵) اظهار کردند والدین این افراد معتقدند که کودکانشان قادر به مراقبت از خود نیستند و در نتیجه سعی در وابسته‌کردنشان دارند. این نوع والدین کودکان خود را بچه فرض می‌کنند و نمی‌خواهند که آنها رشد کنند. از سوی دیگر این والدین ممکن است کودکان خود را حساس و شکننده تصور کنند و بر این مبنا هم با آنها رفتار نمایند. به علاوه ممکن است والدین کودکان حساس این پیام را به آنها منتقل کنند که آنها نمی‌توانند از خود مراقبت کنند و نیاز به حمایت زیاد دارند. در نتیجه کودکانشان حساس‌تر شوند. بین شیوه‌های فرزندپروری و اضطراب و افسردگی نیز رابطه‌ای معنی‌دار وجود داشت. این یافته‌ها نیز همسو با تحقیقات قبلی بود (بلات و هومان، ۱۹۹۲؛ بنت و استیرلینگ، ۱۹۹۸). به عنوان مثال بلات و هومان (۱۹۹۲) اظهار داشتند که مراقبت بالای والدینی و تشویق آزادی رفتاری با افسردگی و اضطراب کمتر همراه است. بنت و استیرلینگ (۱۹۹۱) اظهار داشتند که انکار وجود مستقل و منحصربه‌فرد روان‌شناختی با افسردگی و اضطراب بیشتر رابطه دارد. این توضیح لازم است که علاوه بر اینکه پیش‌بینی ترکیب خطی دو شیوه فرزندپروری (تشویق آزادی رفتاری و مراقبت والدینی پایین) و حساسیت پردازش حسی بالا با اضطراب معنی‌دار است، پیش‌بینی ترکیب خطی دو شیوه فرزندپروری (مراقبت والدینی کم و انکار وجود مستقل و منحصربه‌فرد روان‌شناختی) و حساسیت پردازش حسی بالا رابطه معنی‌دار دارد که این مسأله هم با یافته‌های بلی هموست (لیس و همکاران، ۲۰۰۵).

1- Hershfield  
3- Gross

2- John  
4- Gray



همکاران، ۱۹۹۴، ۱۹۹۶، به نقل از آرون و آرون، ۲۰۰۵) هماهنگ است.

مقیاس شخص یا حساسیت پردازش حسی بالا ابزار جدیدی است که مطالعه جنبه‌های مختلف آن ضرورت دارد. در مطالعه حاضر این مقیاس روی گروه نمونه‌ای متجانس (دانشجویان پسر دوره کارشناسی) انجام گرفت، در حالی که مطالعات بعدی باید به گروه‌های نمونه نامتجانس بپردازد تا امکان مقایسه بر اساس عواملی مثل سن، جنس، طبقات اجتماعی و گروه‌های مختلف (بالینی و غیربالینی) حاصل و بیش از پیش به مفهوم‌سازی این پدیده جدید کمک شود. از طرف دیگر، حساسیت پردازش حسی به‌عنوان یک متغیر ژنتیکی در نظر گرفته شد که از ابتدای تولد وجود دارد و تقریباً ۲۵ درصد افراد حساسیت حسی بالایی دارند (آرون و آرون، ۱۹۹۷، ۲۰۰۵)، برای بررسی این مطلب یک تحقیق طولی مورد نیاز است، در حالی که طرح مطالعه حاضر توصیفی، همبستگی و مقطعی بود و ما را از نتیجه‌گیری علی باز می‌داشت. در پایان باید گفت که سازه حساسیت پردازش حسی می‌تواند، ابزاری ارزشمند برای ارزیابی خطر تحول اختلالات روان‌شناختی خاص (افسردگی، اضطراب و غیره) باشد و ما را در فهم دامنه وسیعی از خصیصه‌های روان‌شناختی یاری کند.

### سپاسگزاری

لازم است از تمام عزیزانی که پژوهشگران را در این تحقیق یاری کردند، به‌ویژه دانشجویانی که با سعه صدر پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند، تشکر شود.

دریافت مقاله: ۱۳۸۵/۱۲/۲۴ پذیرش مقاله: ۱۳۸۶/۳/۱۷

1- Hagekill

2- Boice

در ارتباط با اثرات تعاملی حساسیت پردازش حسی و شیوه‌های فرزندپروری بر اضطراب و افسردگی، تحلیل واریانس هیچ اثر تعاملی نشان نداد. اما در مورد شیوه‌های فرزندپروری (مراقبت، انکار وجود مستقل و منحصربه‌فرد روان‌شناختی و تشویق آزادی رفتاری) و حساسیت پردازش حسی در اضطراب و افسردگی اثرات اصلی معنی‌داری به‌دست آمد که نشان می‌دهد مراقبت کم، تشویق آزادی رفتاری کم، انکار وجود مستقل و منحصربه‌فرد روان‌شناختی و حساسیت پردازش حسی بالا با سطوح بالای اضطراب و افسردگی مرتبط است که این مسأله با یافته لیس و همکاران (۲۰۰۵) همسوست.

نتایج تحلیل رگرسیون، اثرات تعاملی حساسیت پردازش حسی و شیوه‌های فرزندپروری را بر اضطراب و افسردگی نشان داد. تشویق آزادی رفتاری همراه با حساسیت پردازش حسی و انکار وجود مستقل و منحصربه‌فرد روان‌شناختی همراه با حساسیت پردازش حسی توانست اضطراب را پیش‌بینی کند و اثرات تعاملی انکار وجود مستقل و منحصربه‌فرد روان‌شناختی و حساسیت پردازش حسی، افسردگی را، این تعاملات نشان می‌دهند که افراد با حساسیت پردازش حسی بالا، در محیط والدینی بیش‌ازحد حمایت‌کننده (تشویق آزادی رفتاری کم و انکار آزادی روان‌شناختی) بیشتر مضطرب و افسرده می‌شوند. این یافته‌ها با الگوی آرون و آرون (۱۹۹۷، ۲۰۰۵) هماهنگ است. بر اساس این الگو افراد با حساسیت پردازش حسی بالا لزوماً مستعد حالات عاطفی منفی نیستند، مگر اینکه شیوه‌های فرزندپروری والدینشان منفی باشد. همچنین یافته مذکور با تحقیقات بیانگر ارتباط اثرات تعاملی خصیصه‌های خلق و خو و حوادث تنیدگی‌زا و منفی زندگی در روان‌رنجوری (هاگیل<sup>۱</sup>، ۱۹۹۶)، آسیب‌پذیری در مقابل بیماری‌ها و زخم‌ها (بویس<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۹۹۵)، شرم و خجالت (آرون و آرون، ۲۰۰۵) و بازداری رفتاری (گاسنر و

### منابع

Aron, E. N., & Aron, A. (1997). Sensory-processing sensitivity and its relation to introversion and emotionality. *Journal of Personality and Social Psychology*, 73(2), 345-368.

Aron, E. N., Aron, A., & Davies, K. M. (2005). Adult shyness: The interaction of temperamental sensitivity and an adverse childhood environment. *Journal of Personality and Social Psychology Bulletin*, 31(2), 181-197.

- Beck, A. T., & Steer, R. A. (1987). *Beck Depression Inventory Manual*. San Antonio, Tx: Psychological Corporation/Harcourt Brace Jovanovich.
- Behm, G. (2006). The highly sensitive person: Stress and physical symptom reports. *Personality and Individual Differences*, 40, 1433-1440.
- Bennet, A., & Stirling, J. (1998). Vulnerability in the anxiety disorders. *British Journal of Medical Psychology*, 71(3), 311-321.
- Blatt, S. J., & Homann, E. (1992). Parent-child interaction in the etiology of dependent and self-critical depression. *Clinical Psychology Review*, 12, 47-91.
- Boycott, W. T., Chesney, M., Alkon, A., Tschann, J. M., Adams, S., Chesterman, B., Cohen, F., Kaiser, P., Folkman, S., & Wara, D. (1995). Psychobiologic reactivity to stress and childhood respiratory illnesses: Results of two prospective studies. *Psychological Medicine*, 57, 411-422.
- Carver, C. S., & White, T. L. (1994). Behavioral inhibition, behavioral activation, and affective responses to impending reward and punishment: The BIS/BAS scales. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67, 319-333.
- Cavedo, L. C., & Parker, G. (1994). Parental Bonding Instrument: Exploring for links between scores and obsessiveness. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 9, 473-485.
- Dunn, W. (2001). The sensations of everyday life: Empirical, theoretical, and pragmatic considerations. *Journal of Occupational Therapy*, 55, 608-620.
- Gomez-Beneyto, M., Pedros, A., Tomas, A., Aguilar, K., & Leal, C. (1993). Psychometric properties of the parental bonding instrument in a Spanish sample. *Social Psychiatry and Psychiatric Epidemiology*, 28(5), 252-255.
- Gray, J. A. (1981). A critique of Eysenck's theory of personality. In H. J. Eysenck (Ed.), *A Model for Personality* (pp. 246-276). New York: Academic Press.
- Hagehill, B. (1996). Influences of temperament and environment in the development of personality. Paper presented at the Occasional Temperament Conference XI, Eugene, OR.
- Hershfield, H., Gharemani, D., Aron, A., Aron, E. N., Liebty, W., Mazaika, P. K., Gabrieli, S., & Gabrieli, J. D. E. (2007). Using voxel-based morphometry to compare brain anatomy of adult humans across levels of the normal temperament trait of sensory-processing sensitivity. Paper presented at the First SPSF Conference, New York, NY.
- Jerome, E. M., & Liss, M. (2005). Relationships between sensory processing style, adult attachment, and coping. *Personality and Individual Differences*, 38, 1341-1352.
- John, O. P., & Gross, J. J. (2004). Healthy and unhealthy emotion regulation: Personality processes, individual differences, and lifespan development. *Journal of Personality*, 72, 1301-1334.
- Kagan, J. (1994). *Galen's prophecy: Temperament in human nature*. New York: Basic.
- Liss, M., Timmel, L., Baxley, K., & Killingsworth, P. (2005). Sensory-processing sensitivity and its relation to parental bonding, anxiety, and depression. *Personality and Individual Differences*, 39, 1429-1439.
- MacKinnon, A., Henderson, A. S., & Andrews, G. (1993). Parental "affectionless control" as an antecedent to adult depression: A risk factor refined. *Psychological Medicine*, 23(1), 135-141.
- Meyer, B., & Carver, C. S. (2005). Negative childhood accounts, sensitivity, and pessimism: A study of avoidant personality disorder features in college students. *Journal of Personality Disorders*, 14(3), 233-248.
- Murphy, E., Brewin, C. R., & Silka, L. (1997). The assessment of parenting using the parental bonding instrument: Two or three factors? *Psychological Medicine*, 27, 333-342.
- Narita, T., Sato, T., Hirano, S., Gota, M., Sakado, K., & Uehara, T. (2000). Parental child-rearing behaviors as measured by the Parental Bonding Instrument in a Japanese population: Factor structure and relationship to a lifetime history of depression. *Journal of Affective Disorders*, 47, 229-234.
- Neal, J., Edelmann, R. J., & Glachan, M. (2002). Behavioral inhibition and symptoms of anxiety and depression: Is there a specific relationship with social phobia? *British Journal of Clinical Psychology*, 41, 361-374.
- Parker, G., Tupling, H., & Brown, L. (1979). A parental bonding instrument. *British Journal of Medical Psychology*, 52, 1-10.
- Spielberger, C. D., Gorsuch, R. L., Lushene, R. E. (1970). *Manual for the State-Trait Anxiety Inventory*. Palo Alto, CA: Consulting Psychologists Press.
- Turgeon, L., O'Connor, K. P., Marchand, A., & Freeston, M. H. (2002). Recollections of parent-child relationships in patients with obsessive-compulsive disorder and panic disorder with agoraphobia. *Acta Psychiatrica Scandinavica*, 105(4), 310-316.